



تلاش سهروردی برای قرابت میان حکمت بحثی و ذوقی/ملاصدرا و سهروردی

سهروردی حکمت مشاء را مبدأ حرکت و جزء لازم حکمت اشراق می داند اما اکتفاء به آن را برای نیل به غایت معرفت حقیقی جایز نمی شمارد و درصدد قرابت میان حکمت بحثی و ذوقی است.

مهر - گروه دین و اندیشه: سهروردی حکمت مشاء را مبدأ حرکت و جزء لازم حکمت اشراق می داند اما اکتفاء به آن را برای نیل به غایت معرفت حقیقی جایز نمی شمارد و درصدد قرابت میان حکمت بحثی و ذوقی است.

در تاریخ فلسفه اسلامی هر یک از سهروردی و ملاصدرا مؤسس یک نظام فلسفی هستند. از منابع مهم ملاصدرا در تأسیس حکمت متعالیه، آثار، روش و طریق تفکر سهروردی است. گرایش های اشراقی در تمام نوشته های ملاصدرا آشکار است. او در صدد تبیین و حل مسائل و مشکلات فلسفی پیش از خود بر آمد و به عنوان مؤسس یک نظام فلسفی، با نقد، ارزیابی و تدوین مبانی بدیع به تکمیل اندیشه های فلسفی پرداخت.

تأثیرپذیری و نقد ملاصدرا به حکمت اشراق در منطق، طبیعیات، هستی شناسی، جهان شناسی، مباحث مربوط به واجب الوجود و نفس قابل بررسی است. هر چند در شیوه کسب معرفت و نیل به یقین، اشتراکاتی میان سهروردی و ملاصدرا هست اما حکمت اشراق و متعالیه به اصول و نتایج متفاوتی نائل شده اند. حکمت متعالیه بدون بهره از آرای اشراقی سهروردی به قوام کنونی نمی رسد. این حکمت، نظام فکری جدید و مبتنی بر تفسیر تازه ای از هستی است و اصولی بدیع دارد.

تأثیرپذیری ملاصدرا از سهروردی

حکمت اشراق نظام منسجم فلسفی در مواجه با حکمت مشاء است. سهروردی کوشید با رویکردی بدیع برخی مشکلات حکمت مشاء را حل کند. او با تحول روش در نگرش به هستی به نتایج متفاوتی نایل شد. وی حکمت مشاء را مبدأ حرکت و جزء لازم حکمت اشراق می داند اما اکتفاء به آن را برای نیل به غایت معرفت حقیقی جایز نمی شمارد. او درصدد قرابت میان حکمت بحثی و ذوقی است. تحول در روش و اصول فلسفی دو عنصر اصلی در تمایز حکمت اشراق و حکمت مشاء محسوب می شود. ملاصدرا از سیر تطور اندیشه پیش از خودآگاهی کامل داشته و بهره های فراوان از آن برده است. در عین حال آرای او التقاطی از نظرات اندیشمندان پیشین نیست.

از منابع مهم اندیشه و روش ملاصدرا، حکمت اشراق است. او نیز به دنبال برهانی کردن رهیافت شهودی، مکاشفه ای و اشراقی است و گاه از 171#&؛ برهان کشفی raquo؛ سخن گفته است. به رغم احترام بسیار زیادی که وی برای سهروردی قائل بوده و تأثیرپذیری او از سهروردی قابل انکار نیست، اما تابع محض وی نبوده و در نوشته های خود آرای پیشینیان و از جمله سهروردی را نقد و بررسی کرده است.

ملاصدرا با مبانی بدیع، ساختار حکمت متعالیه را پی ریزی کرد و در بسط و تکمیل آن کوشید. در نوشته های سهروردی، حکمة الاشراق بیش از سایر آثار مورد توجه ملاصدرا قرار گرفت. او تقریباً به تمامی آن، تعلیقه نوشته است. بررسی تعلیقات و سایر آثار ملاصدرا نشان می دهد که علاوه بر اختلاف در مبانی و اصول، در موارد خاص و جزئی نیز میان او و سهروردی اختلاف نظر است. جنبه مهم تعلیقات ملاصدرا ناظر به نقد سخن سهروردی است.

همچنین در سایر آثار خود آرای سهروردی را مطرح و ارزیابی کرده است. نگاه نقادانه ملاصدرا به اندیشه پیش از خود زمینه ایجاد حکمت متعالیه شد. مقایسه آموزه های ملاصدرا و حکمای گذشته، میزان تحول و نوآوری های او را آشکار می کند. با طرح تأثیر پذیری ملاصدرا از سهروردی و نقد او به حکمت اشراق است و تبیین آرای دو حکیم، طریق مقایسه میان آنها گشوده می شود. *

*نویسنده: سیماسادات نوربخش، نویسنده کتابهای نور در حکمت سهروردی، آیت اشراق (تفسیر و تأویل آیات قرآن کریم در آثار سهروردی) و بررسی مقایسه ای آرای فلسفی ملاصدرا و سهروردی.